

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳: ۲۱۲-۱۸۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

رویکردی در تحلیل و نقد رمان‌های انقلاب اسلامی با تأکید بر نقد رمان‌های رضا امیرخانی

* فاطمه شکردست

** مصطفی گرجی

*** فاطمه کوپا

**** محمدرضا سنگری

چکیده

پژوهش حاضر، فراتحلیلی و برای دستیابی به کیفیت حضور جریان‌های خاص در ادبیات داستانی ایران یعنی «ادبیات داستانی انقلاب اسلامی» است. این فراتحلیل، سمت‌وسویی کارکردگرایانه دارد که در سه‌ضلعی کتاب‌شناسی، جریان‌شناسی، آسیب‌شناسی به دنبال دست یافتن به شیوه‌ای تحلیلی در بررسی نقدها برای نیل به چشم‌اندازی وسیع‌تر در حوزه نقد است که خود مبین میزان حضور یک جریان ادبی مشخص در فضای ادبیات داستانی ایران است. علاوه بر این، فراتحلیل در شناخت صحیح نقد، رصد نقاط ضعف و قوت آن و معرفی خلأها و آسیب‌های نقد نیز می‌تواند مؤثر باشد. نمونه مورد بررسی در این فراتحلیل، رمان‌های «رضا امیرخانی» - به عنوان یکی از شاخص‌ترین نویسندگان جریان ادبی انقلاب اسلامی - است و به سنجش کارکرد این رمان‌ها به واسطه کمیت و کیفیت توجه ناقدان به آن می‌پردازد. در مقدمه به تعریف ادبیات انقلاب اسلامی، نقد و کارکردهای آن و شاخص‌های نقد پرداخته می‌شود. سپس نویسنده و

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

f.shekardast@gmail.com

gorjim111@yahoo.com

f.kouppa@yahoo.com

m_sangari@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

*** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

**** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رمان‌هایش معرفی و نقدهای آن در قالب مقالات (علمی پژوهشی، ترویجی، تخصصی و توصیفی و تفننی) بررسی و تحلیل و سپس این تحلیل‌ها از منظرهای متفاوت فراتحلیل می‌شود و در پایان، یافته‌ها در قالب جدول‌ها و نمودارها تبیین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: فراتحلیل، ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیات داستانی، رضا امیر خانی و نقد نقد.



مقدمه

انقلاب‌ها و تحولات در قالب گفتمان انقلابی، رهیافت و رویکردهای انسان‌ها و نگاه و تلقی آنان را نسبت به جهان، جامعه و خویشتن تغییر می‌دهد و همین دگرگونی در بافت و زمینه‌های سیاسی و فرهنگی، موجب تحولات در آثار ادبی نیز می‌شود. انقلاب بزرگ صنعتی اروپا، انقلاب مارکسیستی در شوروی سابق یا انقلاب مشروطه در ایران، نمونه‌های روشنی هستند که گواه حضور تفکر تازه در عرصه اجتماعی و فروریختن باورهای قبلی و در نتیجه آفریدن هنر و ادبیاتی متناسب با فضای تازه و نیازهای تازه‌اند. انقلاب اسلامی ایران، واقعه‌ای بزرگ و تحولی بنیادین در عرصه‌های مختلف در سیاست‌های منطقه و جهان و جامعه ایران ایجاد کرد که بررسی تحلیلی ابعاد و زوایای مختلف این تحولات در عرصه‌های فرهنگی، هنری و ادبی، نیاز به تأمل، تحقیق و پژوهش دارد. در این میان، تحولات ادبی حاصل چنین انقلاب و گفتمان انقلابی، اهمیت خاصی دارد و تحلیل جایگاه و بازتاب‌های ادبیات انقلاب اسلامی در جریان ادبی کشور، در طول تاریخ سی و چند ساله این انقلاب، محل بحث‌های فراوان بوده است.

از سویی دیگر در دهه‌های اخیر، ادبیات داستانی - به دلایل مختلف - بیش از انواع دیگر ادبی مورد توجه قرار گرفته است. این اقبال عمومی و همچنین رویکرد پژوهشی به ادبیات داستانی سبب می‌شود ارزیابی و ضریب تأثیر و کارکردهای این نوع ادبی اهمیت یابد. از شیوه‌های این سنجش در حوزه‌های تخصصی می‌توان به فراتحلیل اشاره کرد. به بیانی دیگر، آثاری که درباره داستان‌ها در قالب نقد، تحلیل و بررسی (مقاله، کتاب و پایان‌نامه) نوشته می‌شود، می‌تواند به عنوان ملاک ارزیابی نفوذ اثر خلق شده در حوزه ادبیات داستانی - در جامعه علمی و خواص از یکسو و در میان توده مردم از سویی دیگر - مورد بازسنجی، نقد و همچنین معیاری برای فراتحلیل‌هایی چون جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد.

پژوهش حاضر، نقطه عطف این سه محور یعنی ادبیات داستانی ایران، ادبیات انقلاب اسلامی ایران و فراتحلیلی است که با تکیه بر آثار «رضا امیرخانی» تحلیل و بررسی شده است. توجه به این نکته ضروری است که بررسی آثار ادبی در آینه نقد و نقد نقدها، می‌تواند روشن‌کننده میزان توفیق آن آثار با کارکردهای مخصوص به آن باشد. علاوه بر

۱۸۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
این، فراتحلیل نقد در شناخت صحیح نقد، رصد نقاط ضعف و قوت آن و معرفی خلأها و آسیب‌های نقد نیز می‌تواند مؤثر باشد. این مقاله بر آن است تا با بررسی نقدهای به عمل آمده از رمان‌های رضا امیرخانی - به عنوان یکی از شاخص‌ترین نویسندگان ادبیات انقلاب اسلامی - به تحلیل این نقدها به منظور دستیابی به جایگاه ادبیات انقلاب اسلامی بپردازد. به همین منظور در این نوشتار لازم است به مفهوم فراتحلیل و همچنین مفهوم ادبیات انقلاب اسلامی از منظر این پژوهش پرداخته شود.

فرا تحلیل

فرا تحلیل^۱ یک روش پژوهشی برای پاسخگویی به سؤالاتی درباره نتایج مطالعات انجام شده قبلی است؛ سؤالاتی که یک مطالعه به تنهایی نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد. فراتحلیل، به ترکیب اطلاعات مطالعات قبلی می‌پردازد، به مقایسه میان مطالعات نیز توجه می‌کند و به کشف نتایج جدید از میان مطالعات قبلی می‌رسد. فراتحلیل می‌تواند زمینه‌های جدید پژوهش یا سؤالات پژوهشی جدیدی معرفی کند و حتی ممکن است بتواند بر آورد صحیحی از اندازه نمونه برای تحقیقات بعدی به وجود آورد. این روش را گلاس در سال ۱۹۷۶ به کار برد (ایزنلو و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷).

فرا تحلیل، روشی است که بر اساس آن سعی می‌شود تا تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده قبلی را استنتاج کرد و در رسیدن به برخی نتایج کلی و کاربردی از آن بهره گرفت (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۵۵).

فرا تحلیل بیش از یک فن آماری، یک روش‌شناسی برای بررسی نظام‌دار مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، صورت‌بندی دقیق فرضیه‌ها، انجام یک جست‌وجوی جامع و تهیه ملاک ورود یا حذف مقاله‌ها، ثبت و نگهداری ترکیب آماری داده‌ها و اندازه‌های اثر به دست آمده از بررسی‌های متعدد، جست‌وجوی تعدیل‌کننده‌ها و متغیرها میانجی برای تبیین اثرات مورد نظر و گزارش نتایج است (شیخی، ۱۳۹۰).

هدف روش فراتحلیل، نشان دادن شیوه تفکر در مورد ترکیب نتایج قبلی بر اساس روش آماری است. در فراتحلیل، نتایج تحقیقات مختلف ترکیب می‌شود، تا اینکه نتایج

1. Meta-analysis

جدید و منسجمی استخراج شود و آنچه موجب سوگیری در نتایج نهایی شده، حذف شوند. نهایتاً می‌توان گفت فراتحلیل ترکیب داده‌های چند تحقیق برای یک برآورد واحد است و از نظر آماری، فراتحلیل کاربرد مستقیم روش‌های چند عاملی است (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

اما نمی‌توان انتظار داشت شیوه‌های فراتحلیل در ادبیات و به‌ویژه نقد ادبی منطبق بر فراتحلیل در سایر علوم تجربی و انسانی باشد. مهم‌ترین تفاوت در این است که اغلب رویکردهای تحقیقاتی در عرصه ادبیات از نوع کیفی است. هدف پژوهش کیفی، رسیدن به قوانین ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد با تعمیم یافته‌های خود به قانونی جهان‌شمول برسد. بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و در نهایت رسیدن به الگوهاست (رضی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). پس نمی‌توان صرفاً به شیوه‌های فراتحلیل در علوم چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و یا علوم بالینی... عمل کرد، بلکه لازم است رهیافت تازه‌ای در فراتحلیل ادبی تدوین شود.

هدف فراتحلیل در این پژوهش، دستیابی به کمیت و کیفیت اقبال به ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است، که در اینجا به عنوان نمونه تنها به فراتحلیل نقد آثار یک نویسنده پرداخته شده است. بدیهی است انجام این پژوهش در جامعه آماری وسیع‌تر می‌تواند به ارزیابی کیفیت حضور ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در میان دیگر مکاتب داستان‌نویسی در ایران شود. هر مکتب ادبی دیگری را نیز می‌توان به این شیوه فراتحلیل کرد، که در مقیاسی وسیع‌تر به تفکیک جریان‌های مختلف نقد ادبی و شناخت محتوا و تحلیل تاریخی نقدها در ایران می‌انجامد. در ادامه این پژوهش به جزییات بیشتری از علل و اهداف و چگونگی فراتحلیل در نقد ادبی ایران پرداخته شده است.

مفهوم ادبیات داستانی انقلاب اسلامی

پس از رخداد انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، گفتمان انقلاب اسلامی، باورها و هنجارهای متعلق به تفکر متعلق به آن، نسلی از نویسندگان و تعداد زیادی اثر به وجود آورده است که حتی اگر مشخصاً به رویدادهای بهمن ۵۷ اشاره‌ای نکرده باشند، متعلق به خانواده بزرگ ادبیات داستانی انقلاب هستند و بالعکس داستان‌هایی هستند که در

حوادث چیده شده در روند داستانی آن، به اتفاقات بهمن ۵۷ و حتی به انعکاس برخی حوادث هشت سال جنگ تحمیلی اشاره شده، ولی به علت اندیشه‌های (جهان‌بینی حاکم بر اثر) مارکسیستی، سوسیالیستی، لائیک و... نمی‌توان آن را جزء ادبیات انقلاب اسلامی پذیرفت.

در این میان و به باور این پژوهش، ادبیات انقلاب اسلامی به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که با زبان و بیانی هنرمندانه به باورها، هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، شخصیت‌ها و رخداد‌های انقلاب اسلامی در بازه زمانی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (به زعم برخی ۱۳۴۲) تاکنون، مستقیم یا غیر مستقیم می‌پردازد. مراد از انطباق با آرمان‌های انقلاب، اعتقاد به مبانی فکری فلسفی اسلام و تشیع (توحید، معاد، رسالت و امامت، انتظار موعود...)، معنویت، پیوند واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، پاسداشت هویت فرهنگی دینی و ملی، باور به ارزش‌های اعتقادی - انقلابی (آزادگی، استقلال، ایثار، شهادت و...) است (سنگری، ۱۳۹۱: ۴). نتیجه اینکه به آثاری، «ادبیات انقلاب اسلامی ایران» اطلاق می‌شود که جهان‌بینی حاکم بر آنها، جهان‌بینی اسلامی باشد. زیربنای جهان‌بینی اسلامی، هم وحی است، هم فلسفه (صدرایی) و هم عرفان و فقه. (راهدار، ۱۳۸۹: ۱۶۷) پشت این انقلاب هم شهود وجدانی و هم معرفت نقلی و هم معرفت عقلی وجود دارد که ترکیب این سه، انقلاب اسلامی ایران را ساخته، شکل و هویت داده است (همان).

بر این اساس، رمان انقلاب اسلامی نیز رمان تک‌ساحتی و یک‌لایه نیست، اما اساس شناخت آن، شناخت تفکر و جهان‌بینی حاکم بر آن است. نسبت این ادبیات با ادبیات دینی نیز این است که ادبیات انقلاب اسلامی، خود نوعی ادبیات دینی است با این تبصره که «دینی» که در اینجا محل بحث است، دین اسلام و مکتب تشیع با همه ملزومات فردی و اجتماعی و با آن قرائتی است که به وجود آورنده انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ بوده است. از سویی دیگر، مهم‌ترین رکن برای مفهوم‌شناسی ادبیات انقلاب اسلامی نیز عنصر «درون‌مایه» است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت ادبیات انقلاب اسلامی، صفت و ویژگی درون‌مایه است، نه موضوع. درون‌مایه، فکر اصلی و مسلط بر هر اثری است؛ رشته یا خطی که در طول اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر، درون‌مایه را فکر و اندیشه حاکم بر اثر

تعریف کرده‌اند (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۵۲). به همین جهت است که می‌گویند درون‌مایه هر اثری، جهت فکری و چگونگی نگرش و ادراک نویسنده را نشان می‌دهد. اما این درون‌مایه بر پایه‌های جهان‌بینی و نگاه نویسنده به انسان، خدا و هستی شکل می‌گیرد.

پس نمی‌توان «ادبیات داستانی انقلاب اسلامی» را تنها به داستان‌هایی محدود کرد که «موضوع» آن مرتبط با اتفاقات سال ۵۷ باشد و آن را از ادبیات داستانی دفاع مقدس جدا کرد و یا حتی نمی‌توان فقط به داستان‌هایی بسنده کرد که موضوع آن انقلاب ۵۷ و دفاع مقدس باشد و دیگر شئون انقلاب و یا حتی آرمان‌های فردی و اجتماعی انقلاب را - در داستان‌هایی که اشاره‌ای مستقیم به انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس نداشته‌اند - نادیده گرفت.

ادبیات انقلاب اسلامی، توصیف درون‌مایه منطبق بر اصول انقلاب اسلامی است که موضوعات مذهبی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، عاشقانه و عارفانه، جنگ، صلح و... و گاه تلفیق چند موضوع را در برمی‌گیرد. درون‌مایه از جهان‌بینی (شیوه و زاویه نگرش به جهان، انسان، خدا، طبیعت و...) نویسنده نشأت می‌گیرد و ریشه در هویت، آموزه‌های بلندمدت، تجربه‌ها و... نویسنده دارد. نویسندگان اغلب از بیان صریح درون‌مایه در آثار خود پرهیز می‌کنند و از شیوه‌های غیر صریح برای تصویر و شرح آنها استفاده می‌کنند. به طور مثال درون‌مایه را در افکار، رفتار و تخیلات شخصیت‌های داستان می‌گنجانند و خواننده از طریق خواندن داستان و تفسیر این افکار و دریافت موضوع داستان، به درون‌مایه آن پی می‌برد. زیرا هر چه نویسنده در پرداختن درون‌مایه ظریف‌تر و غیر صریح‌تر عمل کند، تأثیرش بر خواننده بیشتر است.

فرا تحلیل نقدهای ادبی

فرا تحلیل در حوزه ادبیات را می‌توان نوعی نقدِ نقد دانست. مقالات نقد در حقیقت باید مسئله‌ای را طرح کنند که ناقدان، آن را برای کمال بخشیدن به بحثی و یا کشف ارزش‌های ادبی اثری به وجود می‌آورند. بنابراین نقد نیز می‌تواند اثری علمی-هنری باشد که قابل نقد و پژوهش است. اهمیت بررسی نقدها تناظر دیالکتیکی است که بین هر اثر ادبی و نقد آن وجود دارد. نقد، وجدان ادبیات است که او را از خودفریبی و تکرار

نجات می‌دهد و تازیانه نقد مهم‌ترین عامل پیشرفت هر اثر هنری است. یافتن رویکرد غالب نقدها بر رمان‌های شاخص انقلاب، جست‌وجوی اصلی این پژوهش است که از سه منظر نقد درون‌مایه (نقد کارکردگرایانه، نقد تاریخی، نقد آرمان‌گرایانه، نقد اخلاقی، نقد ایدئولوژیک، نقد روان‌شناسانه، نقد هرمنوتیک...)، نقد ساختاری (نقد از منظر عناصر داستان بر اساس نظریه‌های مختلف، نقد پدیدارشناسانه (نشانه‌شناسی، تحلیل محتوا و...) و نقد نویسنده (نویسنده در جریان ادبی، نویسنده در ضمن اثر خاص، نویسنده در جهان داستانی و...) دسته‌بندی و تحلیل خواهد شد.

یافتن قوت‌ها و ضعف‌های نقد ادبیات داستانی انقلاب می‌تواند مسیر را - اگر نگوئیم برای نویسندگان - برای ناقدان روشن‌تر کند. چارچوب‌ها، نظریات و باید و نبایدهایی که در شیوه نقدی در کتاب و مقالات وجود دارد (و در سطور قبل به آنها اشاره شد) مؤکد این موضوع است که نقد نیز اصولی دارد و حفظ این اصول در کنش نقد و نقادی تأثیرگذار است. اما آیا در همه نقدها این اصول رعایت شده است؟ از منظر دیگر می‌توان وارد بحث شد و آن اینکه وضعیت نقد در ایران چگونه است؟ آیا نقدهایی که در قالب کتاب و مقاله یا نقدهای شفاهی روانه بازار می‌شود، کارکرد خود را دارد؟ در میان مقالات و اظهارنظرها درباره نقد، با جملاتی با این مضمون مواجه می‌شویم که «در ایران پدیده نقد و بررسی، نظام‌مند و هدفمند نیست». در کتاب «نقد کتاب و کتاب نقد» (مجموعه مقالات گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۶) و مجموعه مقالات «نامه نقد» (دو مجلد) و کتب و مقالات دیگری که در باب نقد و هویت آن در ایران نگاشته شده است و در اکثر مقالات به عقب بودن وضعیت نقد در ایران نسبت به شرایط مطلوب و آنچه باید باشد اشاره شده است. این موضوع برای دو گروه نویسندگان و ناقدان، از بدیهیات تلقی شده است.

فرا تحلیل یا نقد نقد را می‌توان دارای سه حوزه دانست: کتاب‌شناسی و آسیب‌شناسی و جریان‌شناسی. کتاب‌شناسی صرفاً به معرفی نقدها می‌پردازد (در نوع توصیفی آن، به معرفی مبسوط می‌پردازد)؛ جریان‌شناسی، نقدها را از منظرهای مختلف دسته‌بندی و سامان‌دهی می‌کند و در نهایت آسیب‌شناسی به بررسی آسیب‌ها و خلأهای جریان‌های نقد ادبی می‌پردازد. اما از آنجا که این فرایند و چرخه به درستی اجرا نمی‌شود، انتخاب هر یک از این سه موضوع (کتاب‌شناسی، آسیب‌شناسی و جریان‌شناسی)، دو موضوع

دیگر را نیز به ناچار در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر، پژوهشگر ناچار است برای دستیابی به نتیجه، خلأ نپرداختن به دو ضلع دیگر این مثلث را جبران کند. در میان این موضوعات، وضعیت کتاب‌شناسی به‌ویژه کتاب‌شناسی توصیفی از دو دیگر بهتر است. گاهی در این کتاب‌شناسی‌ها و یا مقاله‌شناسی‌ها، نویسندگان به نقد و تحلیل کتاب‌ها یا مقالات نیز می‌پردازد، مانند بررسی، تحلیل و نقد مقاله‌های فارسی دربارهٔ مثنوی معنوی (ر.ک: گرجی، ۱۳۸۴). در مجموع نقدِ نقد، پیشینهٔ روشنی در ایران ندارد. شاید بتوان دلیل آن را عدم اقبال شایسته به نقد ادبی دانست. نقدِ نقد زمانی فرصت بروز و ظهور می‌یابد که نقد آثار - کمی و کیفی - اگر نگوییم به حد اشباع، دست کم به میزان قابل قبولی رسیده باشد. این اتفاق تاکنون نه تنها در حوزه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، بلکه در هیچ‌یک از حوزه‌های نقد ادبی به صورت جدی رخ نداده است.

نقدِ نقد نیز به مثابهٔ نقد می‌تواند به دو گروه نظری و عملی تقسیم شود. مباحثی که در آن به این مسئله می‌پردازد که نقد چگونه باید باشد و کارکردهایش چیست، نقد قوی و نقد ضعیف کدام است و...، یعنی متونی که به مباحث نظری در حوزهٔ نقدِ نقد می‌پردازند، نقد نظری است و نقدِ نقد عملی نیز مشخصاً به نقد یک کتاب یا مقاله با موضوع نقد می‌پردازد و مشخص می‌کند که آیا این نقد، نقد خوب و ارزشمندی است یا خیر. قوت‌ها و ضعف‌هایش کدام است. ضرورت نقدِ نقد برای جوامعی که در آن نقد، رونق یا کارکردهای لازم را ندارد، می‌تواند قدمی برای شناخت آسیب‌ها و رفع آنها باشد. مطالعات و پژوهش‌های تحلیلی انجام شده در این حوزه - آن هم مشخصاً در حوزهٔ نقدِ نقد عملی - قابل مقایسه با تعداد رمان‌ها و داستان‌های به وجود آمده نیست و می‌توان به یقین گفت این حوزه (نقدِ نقد) جزء حوزه‌های پژوهش نشده در ادبیات داستانی انقلاب (حتی ادبیات داستانی ایران) است. به همین علت اگر بخواهیم به پیشینهٔ جریان‌شناسی نقد ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران - آن هم مشخصاً رمان - بپردازیم، اثر شاخصی را نخواهیم یافت. به ناچار باید دایرهٔ پیشینه را کمی گسترده‌تر کنیم. با این پیش‌فرض، از آثار زیر به عنوان پیشینه این پژوهش می‌توان نام برد.

«ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی» (سرشار، ۱۳۹۱)، که در این کتاب رویکرد غالب داستان‌نویسی پیش و پس از انقلاب اسلامی، قوت‌های ادبیات داستانی

۱۹۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

پس از انقلاب اسلامی، بررسی آماری مقولاتی چون داستان‌های ترجمه‌ای، کتاب‌های نقد داستان، آمار نقدهای داستان از ابتدا تاکنون، کمبودها و ضعف‌های داستان‌های انقلاب اسلامی و... پژوهش و تحلیل شده است. البته در این کتاب به همه آثار تولیدشده در حوزه ادبیات داستانی پس از انقلاب پرداخته شده است، اعم از اینکه داستان‌های عصر انقلاب^(۱) باشد، یا داستان‌های انقلاب^(۲). علاوه بر این، رویکرد این اثر به‌ویژه در حوزه نقد، آماری است و نه تحلیلی و از این‌رو ارزش کتاب‌شناسی دارد.

در مقدمه‌ای که «عبدالعلی دستغیب» بر کتاب «جستاری دیگر» (نقد برخی رمان‌های برگزیده) (حق‌شنو، ۱۳۸۹) نوشته‌اند نیز در چندین صفحه به نقد نقدهای کتاب پرداخته‌اند که می‌تواند نمونه برای نقد نقد باشد. در دیگر جست‌وجوها - غیر از برخی مقالات با جهت کلی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، عناصر ویژه سبکی و زبانی ادبیات انقلاب اسلامی و موضوعاتی از این دست - جز به صورت چند مقاله پراکنده در برخی همایش‌ها، مورد قابل ذکری یافت نشد.

شیوه‌های فراتحلیل نقد

از یک منظر می‌توان نقد و نقد نقدها را در دو سطح کمی و کیفی بررسی کرد. نقد کمی نقدها، به این نکات می‌پردازد: معرفی ساختار نقد (نام، نویسنده، محل نشر، تعداد صفحات و...)، نوع نقد به لحاظ تقسیم‌بندی انواع نقد و نظریه‌های آن و اینکه نقد در کدام طیف و نوع جای می‌گیرد. بلاغت و فصاحت در نثر نقد (جمله‌بندی‌ها و میزان وضوح یا تعقید مفاهیم)، رعایت آیین‌های نوشتاری و نگارشی و... اما نقد کیفی نقدها به این نکات می‌پردازد: میزان تسلط ناقد به موضوع نقد و کتاب یا داستانی که نقد می‌کند (آگاهی کافی ناقد در زمینه مورد نقد، عدم پیش‌داوری، درست فهمیدن اثر)، مضامین نقد شده (میزان ارتباط عنوان با مضامین)، انطباق یا منطبق نبودن نظریه‌ها با تحلیل‌ها، مصداق‌ها، میزان ارتباط آنها با مطلب مورد نقد و... .

جریان‌شناسی نیز حد واسط کتاب‌شناسی و آسیب‌شناسی - دو مؤلفه مهم در نقد نقد - است. نقد نقد، کارکردهای نقد را محک می‌زند و جریان نقد را سامان‌دهی می‌کند. به نویسندگان کمک می‌کند که یک تحلیل جامع از آثار خود داشته باشند و برای

ناقدان، ضعف‌ها، قوت‌ها، آسیب‌ها و خلأهای نقد را نمایان می‌سازد. جریان‌شناسی باعث می‌شود ناقدان و نویسندگان چشم‌انداز روشنی از نقد داشته باشند و نقاط مغفول شناخته شود و افراط‌ها و تفریط‌ها رخ بنماید. در جریان‌شناسی به این نکات توجه می‌شود: ناقدان به کدام یک از انواع نقد توجه نشان داده‌اند؟ چه نشریات یا ناشرانی بیشترین توجه را به نقد داشته‌اند؟ چه متونی، توجه منتقدان بیشتری را به خود جلب کرده است؟ توزیع نقدها نسبت به سال (نسبت کمیت با تاریخ) - که نشان‌دهنده اوج و فرودهای فضای نقادی است - چگونه است؟ حدود تفکرات و نظریه‌ها و ذائقه‌ها در حوزه نقد ادبیات در ایران کجاست؟ سنجه میزان تناسب تعداد آثار با تعداد نقدها و

همچنین رده‌بندی نقدها از منظرهای گوناگونی می‌تواند صورت گیرد؛ برای مثال «مجید سینایی» در مقاله «نقد کتاب در ایران» از سلسله مقالات کتاب نقد و نقد کتاب (سینایی، ۱۳۸۶: ۳۰۵)، انواع نقد را در چارچوب‌های نقد تخصصی، نقد تبلیغاتی، نقد تحقیقاتی یا پژوهشی، نقد مؤلف قابل طبقه‌بندی می‌داند. هر یک از این طیف‌ها، معرف محتوا، ناقد، ناشر و حتی مخاطب خاص است که در ذیل جریان‌شناسی و نقد آثار امیرخانی به حدود و ثغور هر یک اشاره خواهد شد. همچنین می‌توان نقدها را با توجه به محتوای نقدشده (ساختار، درون‌مایه، نویسنده) نیز طبقه‌بندی کرد. از میان این نقدها آنچه ارزش نقد دارد و در حوزه نقد وارد است، مقالات علمی، پژوهشی، علمی ترویجی و تخصصی است. شرح مختصر هر یک از این جریان‌ات نقد، در خلال جریان‌شناسی نقد آثار امیرخانی معرفی و تحلیل خواهد شد.

رضا امیرخانی

وی متولد سال ۱۳۵۲ در تهران است و فعالیت‌های ادبی خود را از سال ۱۳۷۴ رسماً آغاز کرد و از جمله پر مخاطب‌ترین نویسندگان ادبیات انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. به گواهی سایت شخصی وی، بیش از شش صد هزار نسخه از کتاب‌های او تا به حال به فروش رسیده است. رمان‌های ارمیا، من او، بیوتن، قیدار، مجموعه داستان ناصر ارمنی، داستان بلند ازبه، مجموعه مقالات نفحات نفت، سرلوحه‌ها و نشت نشاء و سفرنامه داستان سیستان و جانستان کابلستان از جمله آثار وی تاکنون است.

۱۹۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

وی با تریلوژی یا سه‌گانه - ارمیا، من او، بیوتن - صرف نظر از داوری‌های مثبت یا منفی اکنون به عنوان نویسنده‌ای صاحب‌سبک - هم در فرم و هم در محتوا - با کاربست صنعت‌ها و شگردهای خاص داستانی در جامعه ادبی شناخته شده است و نقدها و نظرهای خاص و عام را به خود جلب کرده است. در ادامه این پژوهش به بررسی این نقدها پرداخته شده است.

فرا تحلیل نقد آثار رضا امیرخانی (نقدهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۰)^(۳)

نقدهای تحقیقاتی یا علمی - پژوهشی

نقد پژوهشی در این جستار به مقاله‌هایی اطلاق می‌شود که غالباً استادان دانشگاه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی نوشته‌اند و در مجلات علمی - پژوهشی چاپ می‌شود و دو ویژگی اصالت و ابداع دارد. از آنجا که تحقیق با یک یا چند فرضیه بنیادی و پیشین انجام می‌گیرد، آثار موجود در پناه این فرضیه، قرائت تازه‌ای پیدا می‌کند و این قرائت به جزئی از یک کار تحقیقاتی مبدل می‌شود. نوشتار علمی - پژوهشی، ساختار، زبان و مخاطب خاص خود را دارد و می‌تواند در قالب مقاله (علمی پژوهشی، علمی ترویجی، ISI، ISC)، پایان‌نامه، طرح پژوهشی و کتاب قرار گیرد. ساختار این مقالات، ساختار نسبتاً مشخصی است و دارای چکیده، کلیدواژه، ارجاعات علمی، یافته‌های تحقیقی و منبع و مأخذ است.

الف) مقالات علمی - پژوهشی

- مجموعه مقاله‌های علمی - پژوهشی منتشر شده درباره آثار او به قرار ذیل است:
- پسامدرن‌تصنعی (نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان بیوتن) (غفاری، ۱۳۸۹)
 - بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی (گرچی و حامدی، ۱۳۸۹)
 - بن‌مایه‌های نمادین و شگردهای روایی در رمان ارمیا (کوپا، ۱۳۸۹).
 - نقدی بر دو رمان از رضا امیرخانی (حجازی، ۱۳۹۰).

- تحلیل زمان روایی از دیدگاه روایت‌شناسی بر اساس نظریهٔ زمانی «ژنت» در رمان «بیوتن» اثر رضا امیرخانی (دروذگریان و دیگران، ۱۳۹۰).

ب: پایان‌نامه‌ها^(۴)

- بررسی و تحلیل رمان‌های رضا امیرخانی (کارشناسی ارشد) (حکیمی، ۱۳۸۸).
- شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان‌های رضا امیرخانی با تکیه بر «من او» و «ارمیا» و «بیوتن» (کارشناسی ارشد) (پرواز، ۱۳۸۹).
- نقد و بررسی آثار داستانی رضا امیرخانی (کارشناسی ارشد) (صفایی‌نیا، ۱۳۹۰).
- فرایند قهرمان‌سازی در رمان‌های برگزیدهٔ جنگ تحمیلی (کارشناسی ارشد) (حامدی کیا، ۱۳۸۸)
- ویژگی‌های ادبیات دفاع مقدس بر اساس ده متن داستانی (کارشناسی ارشد) (خصوصی، ۱۳۹۰)

نقدهای تخصصی

نقدهای تخصصی را متخصصان یک حوزه می‌نویسند و در مجلات تخصصی ادبی و هنری (غیر علمی - پژوهشی) چاپ می‌شوند. در حوزهٔ مطالعات هنری و ادبی، غیر از پژوهندگان دانشگاهی و آکادمیک، علاقه‌مندان و متخصصانی هستند که تولیدات هنری-ادبی را به دقت دنبال می‌کنند و مطالعات گستردهٔ آنها، تسلط بر موضوع را برایشان به همراه داشته و در نتیجه طیفی از ناقدان به وجود آمده است که هر چند تحصیلات آکادمیک ندارند، ارزش نقد و نگاهشان قابل توجه و ارزشمند است.

مشخصاً در ادبیات داستانی، نقدهای تخصصی هر چند صبغهٔ پژوهشی و تحقیقی ندارند، برخی از آنان از منظر نقد و تحلیل و بررسی به اندازهٔ نقدهای پژوهشی حاوی نکات بدیع و قابل تأملند. مهم‌ترین اهمیت آنها در این است که جامعهٔ هدفشان، همان جامعهٔ هدف رمان است، یعنی مخاطبان عام رمان. همین امر باعث می‌شود به نقد تخصصی به عنوان نقدی که قادر است مخاطبان را به خواندن رمانی ترغیب کند، به خوانش‌ها عمق ببخشد و شیوهٔ تحلیل و قضاوت دربارهٔ رمان را به خوانندهٔ غیر تخصصی رمان آموزش دهد، حائز اهمیت است. نشست‌های تخصصی نقد که گه‌گاه با حضور

۱۹۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳
ناقدان و علاقه‌مندان برگزار می‌شود، از این نوع نقد می‌توان به شمار آورد. همچنین
نقدهایی که در کتاب‌های «مجموعه نقد» از چندین رمان و ناقد گردآوری شده است، از
این نمونه هستند.

الف) نقدهای تخصصی در مجلات و روزنامه‌ها

- اینجا جمع ضدین ممکن است (مهرجری، ۱۳۸۷).
- نقد «من او» (برزگر، ۱۳۸۷).
- نگاهی به رمان «بیوتن» نوشته رضا امیرخانی (بهرام‌پور، ۱۳۸۷).
- لغزش در ورطه نیست‌انگاری (نقد رمان بیوتن) (جمشیدی، ۱۳۸۸).
- غم غربت و از خود بیگانگی (نگاهی بر رمان بیوتن) (حقی‌پور، ۱۳۸۸).
- تزریق پسامدرن رقیق در مفاصل «بیوتن» (گرچی‌زاده، ۱۳۸۷).
- یک واقعه و چند روایت (گودرزی، ۱۳۷۹).
- شخصیت‌پردازی در رمان «ارمیا» (صدیقی، ۱۳۸۶).
- نقد «من او» (محمودی، ۱۳۷۶).
- دغدغه‌های بی‌وطنی (ملکی، ۱۳۸۷).
- ماهی و دریا (یاحقی، ۱۳۸۹).

ب) نشست‌ها

دو گروه از نقدها می‌تواند در جریان‌شناسی نقد، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد: اول
نشست‌ها (نقدهای شفاهی که با حضور نویسندگان و ناقدان برگزار می‌شود) و دوم نقدهای
تفنی؛ اما به سبب وجود موانعی، نمی‌تواند حضور روشن و قابل قضاوت در
جریان‌شناسی نقد داشته باشد. درباره نقدهای تفنی در جای خود توضیحاتی آورده
شده است، اما در باب نشست‌های نقد، این موانع را می‌توان برشمرد. اول اینکه
نشست‌های نقد ادبی، قابل احصا نیست. زیرا قریب به اتفاق آنها گزارش مکتوب ندارند.
دوم اینکه هر نشستی با حضور نویسندگان «نقد» نام‌گذاری شده است، در حالی که اغلب
آنها گفت‌وگوهای خودمانی با نویسندگان و شنیدن خاطرات و تجربیات وی است و ارزش

نقد تخصصی ندارد. پس نه می‌توان آمار دقیقی از آن ارائه کرد و نه محتوای آنها در جایی برای قضاوت ثبت می‌گردد. این دو باعث می‌شود با وجود فراوانی نشست‌های نقد به‌ویژه در بازه زمانی یک سال پس از انتشار رمان، از ایفای نقش در جریان‌شناسی باز بمانند. از میان نشست‌هایی که علاوه بر تخصصی بودن گزارش مبسوط آنها در قالب کتاب و یا مقاله، در مجلات و روزنامه‌ها اشاره شده است، تنها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- بازی با فارسی و خلق رمان نو، گزارشی از جلسه نقد رمان «من او» نوشته رضا امیرخانی (۱۳۷۹)
- کتاب خوبی نبود، پیام را نگرفتید، گزارشی از دو نشست در نقد و بررسی رمان «من او» نوشته رضا امیرخانی (۱۳۷۹)
- کنکاش (مجموعه نقدهای میز گردی) (۱۳۸۲)

ج) کتاب‌های مجموعه نقد

- حق شنو، فرخنده، مجموعه مقالات جستاری دیگر، پس هر که عاشق شد، پاک شد و هر که پاک شد، شهید مرده است (نقد ارمیا) (۱۳۸۹)
- از نگاه آینه (مجموعه مقالات)، نقد رمان «ارمیا» (عبدالحسینی، ۱۳۸۰)
- بازتاب (مجموعه مقالات)، نقد رمان «من او» (شاکری، ۱۳۸۰)

نقد توصیفی

نقدهای توصیفی به سفارش علاقه‌مندان یا نافعان یک اثر و یا به علت علاقه‌مندی ناقدی نسبت به اثری و بر اساس جهت‌گیری خاص انجام می‌شود. کارکرد نقد توصیفی اغلب معرفی، تبلیغ و ترغیب مخاطبان به مطالعه آن است و نه چیز دیگر، و این هدف را با پرداختن به موضوع و گاه ساختار فراهم می‌کنند. اگر از نقدهایی که در فضای مجازی به این منظور نگاشته شده‌اند بگذریم (که آمار آنها در نقد تفننی ارائه خواهد شد)، از موارد مکتوب می‌توان نقدهای زیر را برشمرد:

- شیشه‌گران، پرویز، چهل کتاب (معرفی توصیفی چهل داستان دفاع مقدس) (۱۳۸۶)

نقد نویسنده

کاری فراتر از نقد نویسنده و بر اساس دست گذاشتن بر مسائل برون‌متنی است. در نقد مؤلف، مجموعه آثار او مورد توجه قرار می‌گیرد و افت‌وخیز کار مؤلف را نشان خواهد داد. البته این روش زمانی ممکن است که با یک نویسندهٔ باسابقه و صاحب سبک و نظریه مواجه باشیم.

- امیرخانی معلق میان ما و آنها (جوادی یگانه، ۱۳۸۷).
- با اینها چه کنیم؟ (غفاری، ۱۳۸۷).
- نویسندهٔ انقلابی (قلی‌پور، ۱۳۸۷).
- فرزندان زمانه (قیصری، ۱۳۸۷).
- داستان‌نویس جریان سوم (۱): متعهدی که اصول‌گرا نشد (یزدانی خرم، ۱۳۸۷).
- داستان‌نویس جریان سوم (۳): در جست‌وجوی پرسش‌های امروز (دهقان، ۱۳۸۷).

نقدهای تفننی

با پیدایش سایت‌ها و شبکه‌های مجازی روز به روز شاهد گسترش نقد رمان‌ها در فضای مجازی هستیم. این نقدها هر چند قابل احصا نیستند، نمی‌توان از آنها چشم پوشید. اخیراً برخی ناقدان حرفه‌ای نیز نقدهای خود را در قالب سایت یا وبلاگ عرضه می‌کنند. خوانندگان عمومی (غیر حرفه‌ای) داستان نیز احساس، نقد و نظر خود را از برخی آثار در صفحات شخصی خود منتشر می‌کنند. اهمیت این نقدها علاوه بر کارکرد تبلیغی و معرفی آثار، بیانگر نظر مخاطبان عام به اثر است. مخاطبان عام، مخاطبان اصلی رمان هستند و احساس و نظرشان حتی اگر تخصصی نباشد (که نمی‌تواند باشد)، نشان‌دهندهٔ انعکاس اثر در جامعهٔ هدف است. به استناد سایت نویسنده^(۵)، برای هر رمان امیرخانی بیش از دویست صفحه مجازی است و مجموع آنها بالغ بر هزار صفحه مجازی (پُست) است. کارکرد نقدهای تفننی - که غالباً غیر تخصصی هستند - ترکیبی از معرفی کتاب، معرفی نویسنده، نقدهای استحسانی، برداشت‌های شخصی، خلاصهٔ رمان‌ها و... است.

نقدِ نقدِ مقالات علمی - پژوهشی^(۶)

با توجه به اینکه فرایند نقدِ نقد همه این پژوهش‌ها در قالب این جستار نمی‌گنجد، در این مجال و به عنوان نمونه‌هایی از نقدِ نقد - که فرایندی در جریان‌شناسی نقد است و رویکردی آسیب‌شناسانه نیز می‌تواند داشته باشد - تنها به نقدِ مقالات پژوهشی جدی پرداخته می‌شود:

➤ نام مقاله: پسامدرن‌تصنعی: نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان «بیوتن»، سحر غفاری، نقد ادبی، سال ۳، شماره ۹، بهار ۱۳۸۹.

- واژه‌های کلیدی: پسانوگرایی، فراداستان، بیوتن، امیرخانی
- مضامین اصلی: تعریف فراداستان و ویژگی‌های آن، آوردن نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها در رمان بیوتن و رمان‌های آمریکایی، مصداق‌های اتصال کوتاه در رمان، مصداق‌های بازیگوشی‌های زبانی و چایی، عشق نویسنده به شخصیت داستانی، بررسی بینامتنیت و فرجام‌های چندگانه در رمان بیوتن.

جدول ۱

نقد درون‌مایه	نقد ساختار	نقد نویسنده
✓	✓	✓

- طرح و ساختار مقاله: مقاله داری ۱۷ صفحه است با ساختار مقالات پژوهشی (چکیده، کلیدواژه، مقدمه، متن شش قسمتی، نتیجه و هشت منبع و مأخذ)
- تحلیل نقد: نقد فاقد منطق علمی، احساسی، همراه با پیش‌داوری و دارای استدلال‌های ضعیف است. صبغه غیر علمی آن از همان ابتدا با کاربرد واژه توصیفی (تصنعی) در عنوان مقاله آشکار می‌گردد. در کلیت نقد و بر شیوه استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، منطق ژورنالیستی حاکم است که در ادامه دلایلی بر این ضعف علمی ارائه می‌گردد. خلاصه داستان نیز ناقص است و پس از آوردن خلاصه «بیوتن»، بدون ارائه استدلال می‌نویسد: «همان‌طور که می‌بینیم، طرح بیوتن از من/ او ساده‌تر است». در حالی که این مدعا بدون ارائه طرح «من او» و تنها با ارائه طرحی ناقص از «بیوتن»، استدلال علمی نمی‌تواند باشد. در چند سطر بعد، نویسنده باز هم بدون استدلال می‌نویسد آنچه موجب محبوبیت این دو رمان (بیوتن و من او) شده، نوآوری‌های صوری و چاپی است.

۲۰۰ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳
در حالی که ادعای محبوبیت این دو رمان بدون مأخذ یا استدلال و آن را محصور به یک علت دانستن - بدون بررسی - نظری پیش‌داورانه و تقلیل‌گرایانه است.

همه منطبق نقد در این خلاصه شده است که ویژگی‌های داستان پسامدرن (اتصال کوتاه و ورود به داستان، برجسته کردن بعد فیزیکی و بازیگوشی‌های چاپی، کاربرد افراطی فنون داستان‌نویسی و...) را در رمان بیوتن استخراج کرده است و در هر قسمت، این نتیجه تکراری را گرفته است که چون داستان ایدئولوژیک است، این ویژگی (ویژگی داستان پسامدرن) ارزش ندارد، بدون اینکه تعریفی برای رمان ایدئولوژیک و علتی برای انطباق این تعریف بر رمان بیوتن ارائه دهد.

به عنوان مثال به چند نمونه بسنده می‌کنیم. در بررسی اتصال‌های کوتاه و ذکر نمونه‌هایی از آن در رمان بیوتن، ناگهان به این نتیجه می‌رسد که نویسنده برای این اتصال‌ها هدف دارد و هدف او تبلیغ ایدئولوژی مورد نظرش است! «این داستان، شباهت‌ها و صناعت‌هایی به فراداستان دارد، اما چون ایدئولوژیک است، نمی‌توان آن را فراداستان دانست...». این شیوه نتیجه‌گیری چندین بار در این مقاله تکرار شده است. در قسمت عشق نویسنده به شخصیت داستانی‌اش، یکی از دو دلیل ناقد این است که فصل ابتدایی از زبان قهرمان داستان است و فصل‌های بعدی از زاویه‌دید دانای کل محدود: «چرخش نویسنده از روایت اول‌شخص به دانای کل محدود، نمودار آن است که با پیشبرد رمان، نویسنده هر چه بیشتر شیفته شخصیت /رمیا می‌شود و به او حالتی قدسی می‌دهد» (در حالی که تغییر زاویه‌دید از ویژگی‌های داستان پسامدرن است و نمی‌تواند دلیل منطقی برای عشق نویسنده به قهرمان داستان باشد)؛ و یا دلیل دیگری که بر این امر ذکر کرده است، سبک برخی جملات است با این اظهار نظر کلی: «می‌بینیم که حتی نحو و لحن این جمله، شکل شخصیت ارمیا را به خود گرفته». موارد دیگری نیز از این دست در این نقد دیده می‌شود که موجب تناقض در ارزیابی داستان شده است.

➤ نام مقاله: بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی، گرجی، مصطفی و یوسف حامدی، تابستان ۱۳۸۹.

▪ واژه‌های کلیدی: بیوتن، امیرخانی، شخصیت‌پردازی، ادبیات دفاع مقدس.

▪ **مضامین اصلی:** مروری کوتاه بر ویژگی‌های ساختاری و زبانی داستان با عنوان داستان در یک نگاه، خلاصه داستان، بررسی شخصیت‌های رمان بیوتن، کنش‌های [شخصیت‌های] داستان، سیمای شخصیت‌های داستان (بررسی ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها)، نام‌شناسی شخصیت‌های داستان، تحلیلی بر تحول شخصیت‌های رمان.

جدول ۲

نقد درون‌مایه	نقد ساختار	نقد نویسنده
	✓	

▪ **طرح و ساختار مقاله:** ۲۳ صفحه، ساختار علمی - پژوهشی است، دارای چکیده و کلیدواژه و مقدمه و متن، منابع و مآخذ، البته برخلاف ویژگی‌های مقالات پژوهشی، تنها یک ارجاع درون‌متنی دارد (به جز ارجاعات به متن رمان)، در حالی که ۲۷ منبع و مآخذ برای آن ذکر شده است. سه نمودار نیز در این مقاله رسم شده است.

▪ **تحلیل نقد:** مقاله توضیحی - تحلیلی است. به زبان ساده و روان به بررسی نکات بدیعی درباره شخصیت‌های داستان پرداخته است. می‌توان گفت تنها مقاله‌ای است که رمان «بیوتن» را از این منظر بررسی کرده است و از این بابت مقاله نوآور و حاوی نکات تازه است. ذکر مصداق/ مصادیق برای هر ادعا از نکات مثبت این نقد است. اطناب و تکرار دارد؛ برای مثال خلاصه داستان یک‌بار در مقدمه و بار دیگر در خلاصه داستان آورده شده است و یا در برخی بخش‌ها مانند تحلیلی بر تحول شخصیت‌های داستان، تحلیل‌های نامرتب با این عنوان نیز وجود دارد. عناوین درون متن می‌توانست دقیق‌تر انتخاب شود و نقش ایضاحی خود را در مقاله ایفا کند. برای مثال گفت‌وگوهای داستان یا کنش‌های داستان، عنوان‌های مبهمی است که ارتباط آن با کلیت مقاله مشخص نیست. فاقد نظریه خاصی در تحلیل شخصیت است. برای همین در طبقه‌بندی شخصیت‌ها ابتدا آن را طیف‌بندی کرده، ولی مصداق طیف‌ها ذکر نشده است و در حالی که از شخصیت‌های فرعی نام می‌برد که از شخصیت‌های اصلی، نامی به میان نیامده است. مقاله دارای سه نمودار است. نمودار اول، نمودار وضعیت ظاهری شخصیت‌هاست که مناسب و کاربردی به نظر نمی‌رسد. زیرا اغلب ویژگی‌ها در شخصیت‌ها منحصر به فرد است. جدول دوم که در مبحث نام‌گذاری است، جدولی گویا و واضح است که شیوه

۲۰۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

نام‌گذاری نویسنده را تحلیل می‌کند. سومین نمودار مبین فرایند یک‌جانبه میان سه شخصیت در این داستان است که هم ارتباط شخصیت‌ها در داستان اینگونه نیست و هم در متن مقاله، تحلیل یا استدلالی مبنی بر این شیوه ارتباط وجود ندارد. چنانچه علامت بین شخصیت‌ها در این سیکل دوجانبه (رفت و برگشتی) بود، شاید می‌توانست برای ارتباط این سه شخصیت قابل توجه باشد. در نتیجه‌گیری هم انتظار می‌رود نتایج تحلیل‌های ذکر شده در مقاله ارائه شود و از ذکر تحلیل‌های جدید پرهیز شود. عدم ارجاع درون‌متنی (به جز یک مورد در ارجاع به رمان) نیز از مواردی است که غیر طبیعی به نظر می‌رسد.

➤ نام مقاله: تحلیل زمان روایی از دیدگاه روایت‌شناسی بر اساس نظریه زمانی ژنت در رمان «بیوتن» اثر رضا امیرخانی، درودگریان، فرهاد؛ محمدرضا احمدی و الهام حدادی، پاییز ۱۳۹۰.

▪ واژه‌های کلیدی: روایت‌شناسی، زمان روایی، ژنت، مؤلفه‌های زمان روایی، داستان بیوتن.

▪ مضامین اصلی: تبیین نظریه ژرار ژنت، خلاصه داستان و انطباق داستان بر این نظریه: ویژگی‌های زمان روایی اعم از نظم، تداوم و بسامد در داستان بیوتن، روایت رخداد داستان در باب نظم با گذشته‌نگری و آینده‌نگری، چرخش دوری در روایت، زمان‌پریشی یا پرش زمانی، درنگ که به دو شکل است: ۱- درنگ توصیفی ذهنیت ارمیا در مورد سهراب و خاطرات جنگ در گذشته ۲- درنگ توصیفی ذهنیت (ارمیا، نویسنده، راوی)، تکرار در داستان: ۱- گاه تکرارها بر اساس یک جمله است. ۲- گاه تکرارها بر اساس خاطره‌ای شخصی در گذشته است که به مناسبت حادثه یا کنشی در ذهن ارمیا مرور می‌شود. ۳- گاه تکرارها بر اساس تفاوت ذهنی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و... اشخاص است، یعنی تکرار تفاوت‌ها.

جدول ۳

نقد درون‌مایه	نقد ساختار	نقد نویسنده
	✓	

- طرح و ساختار مقاله: در ۱۲ صفحه، دارای ساختار علمی پژوهشی، دارای چکیده، کلیدواژه، تنه، نتیجه، ارجاع علمی درون‌متنی، منبع و مأخذ (ده منبع).
- تحلیل نقد: نقد بر اساس یک نظریه معروف در باب زمان و داستان است که در آن چگونگی تبلور زمان در روایت و کارکرد نظریه ژنت در رمان بیوتن بررسی شده است. زبان و نثر مقاله یک‌دست و دارای انسجام نسبی و نظم منطقی در تحلیل است. یکی از ضعف‌های این مقاله، اشکالات تاپی به‌ویژه بی‌دقتی در ارجاع به داستان است.
- نام مقاله: بن‌مایه‌های نمادین و شگردهای روایی در رمان ارمیا، کویا، فاطمه، پاییز ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰.

- واژه‌های کلیدی: بن‌مایه‌های نمادین، شگردهای روایی، رستاخیز واژگان، تک‌گویی درونی، گفت‌وگو.
- مضامین اصلی نقد: بررسی بن‌مایه‌های نمادین عرفانی ناظر بر سیر و سلوک، تحلیل برخی شگردها و کارکردهای روایت‌پردازی مانند توصیف‌های برجسته، برجسته‌سازی و تشخیص کلامی، جریان سیال ذهن (تک‌گویی درونی) و گفت‌وگو، معیارهای زیبایی‌شناسی نمادین شگردها و کارکردهای روایت‌پردازی و تعبیر نمادین به شیوه تحلیلی - توصیفی بررسی شده است.

جدول ۴

نقد نویسنده	نقد ساختار	نقد درون‌مایه
	✓	✓

- طرح و ساختار مقاله: در ۲۵ صفحه و ۷ بخش، دارای ساختار علمی (چکیده، کلیدواژه، مقدمه، تنه، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، ۳۳ منبع و مأخذ) و همچنین نمودار کلی سلوک قهرمان اصلی داستان (ارمیا).
- تحلیل نقد: در این مقاله، رمان ارمیا با عنوان ادبیات مقاومت بررسی شده است که این تقسیم‌بندی نقطه ضعف ناقدان نیست. ضعف تئوری‌پردازی در حوزه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی و عدم تفکیک دقیق موضوعی (از جمله عدم ایضاح تفاوت میان ادبیات مقاومت از ادبیات دفاع مقدس) از علل تشتت در تشخیص موضوع رمان‌هایی از این دست است. در این مقاله، دو موضوع متفاوت محور پژوهش قرار گرفته است: ۱- نمادهای عرفانی در رمان و شیوه‌های روایت‌پردازی. هر دو موضوع، بدیع و قابل بسط

هستند و اگر ناقد محترم این دو موضوع را مبسوط و در دو مقاله مجزا تحلیل می‌کردند، بر ارزش این نقد افزوده می‌شد. قسمت اول مقاله (بن‌مایه‌های نمادین)، تحلیلی-ابداعی و قسمت دوم آن، تحلیلی - تفسیری است. شیوه بیان آن نیز پیچیده و دشواریاب است.

➤ نام مقاله: نقدی بر دو رمان از رضا امیرخانی، حجازی، بهجت السادات، بهار ۹۰.

- واژه‌های کلیدی: دفاع مقدس، رضا امیرخانی، بیوتن، ارمیا، رمان نو، ضد رمان.
- مضامین اصلی: تحلیل تحول رمان دفاع مقدس در زمان جنگ و پس از آن، تحلیل قضاوت‌ها درباره ادبیات دفاع مقدس، تقسیم‌بندی جریان‌اتی که درباره ادبیات جنگ و دفاع مقدس به خلق اثر پرداخته‌اند، بررسی رمان‌های امیرخانی و سیر تحولی آنها، تحلیل و مقایسه دو رمان ارمیا و بیوتن، بررسی نشانه‌های رمان نو و ضد نو و انطباق برخی از آن ویژگی‌ها در دو رمان (مانند مشارکت مخاطب در داستان، تکرار، ابتکار و بهره‌گیری از نشانه‌های دیداری، چرخش زاویه‌دید)، نشانه‌های پیوستگی‌های ساختاری و محتوایی بین دو رمان (مانند بازی‌های زبانی، حرکت دورانی زمان، حضور متافیزیکی شهید، اشتراک دو شخصیت اصلی (دو قهرمان داستان))، تحلیل ابتکارها در بهره‌گیری از نشانه‌های دیداری بهره گرفتن از آیات قرآنی، بررسی کاستی‌های دو رمان (ملال‌انگیز بودن، ناهمگونی زبان (تلفیق فارسی و عربی و انگلیسی)، آشفتگی رسم‌الخط).

جدول ۵

نقد نویسنده	نقد ساختار	نقد درون‌مایه
	✓	✓

- ساختار مقاله: در ۲۵ صفحه، ساختار علمی-پژوهشی (چکیده، کلیدواژه، مقدمه، متن، نتیجه، ۱۳ منبع و مأخذ)، متن در مجموع از شش بخش و ده زیربخش تشکیل شده است.

- تحلیل مقاله: مقاله دارای انسجام زبانی و منطق علمی است. بخش‌بندی متن به درستی و دقت صورت گرفته است. ناقد، رمان‌ها را با دقت خوانده است و تلخیص و برداشتی که ناقد از دو رمان ارائه کرده است - در مقایسه با تلخیص سایر ناقدین در دیگر نقدها - با اصل داستان‌ها قرابت بیشتری دارد. در تحلیل به لایه‌های زیرین اثرها و پیرنگ توجه خوبی شده است و تحلیل‌های بدیع و دقیقی از پیرنگ در این نقد به چشم می‌خورد. از ضعف‌های این نقد شاید بتوان به شیوه استفاده از ارجاعات (نقل قول‌ها)

رویکردی در تحلیل و نقد رمان‌های انقلاب اسلامی با تأکید ... / ۲۰۵
 اشاره کرد. برخی نقل قول‌ها، جای خود را نیافته‌اند و خوش‌نهیسته‌اند (مانند نقل قول
 ص ۱۰۶، پاراگراف سوم). عنوان مقاله هم می‌توانست بهتر و گویاتر انتخاب شود.

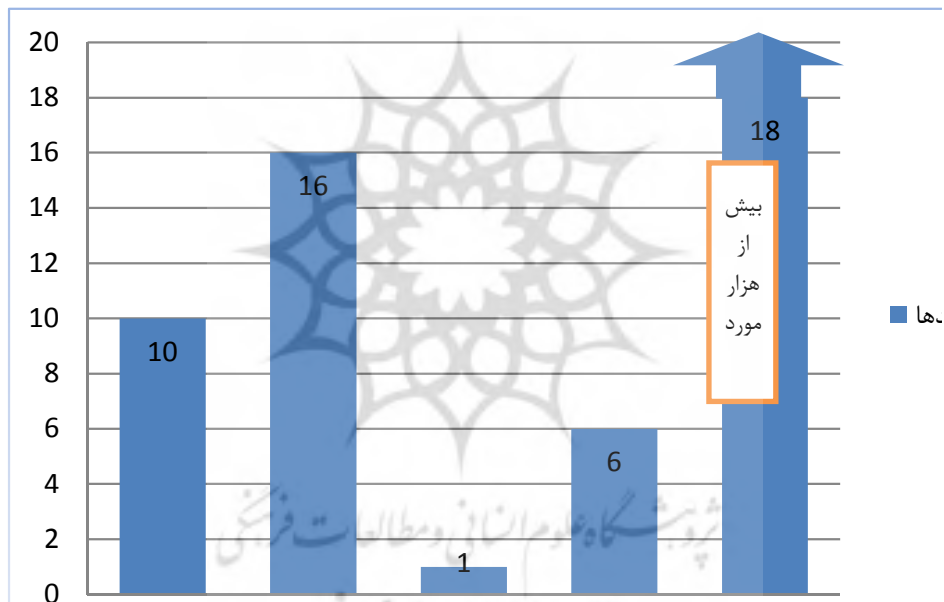
جدول ۶- محتوای مقالات علمی پژوهشی

نقد درون‌مایه	نقد ساختاری	نقد نویسنده
۳	۵	۱

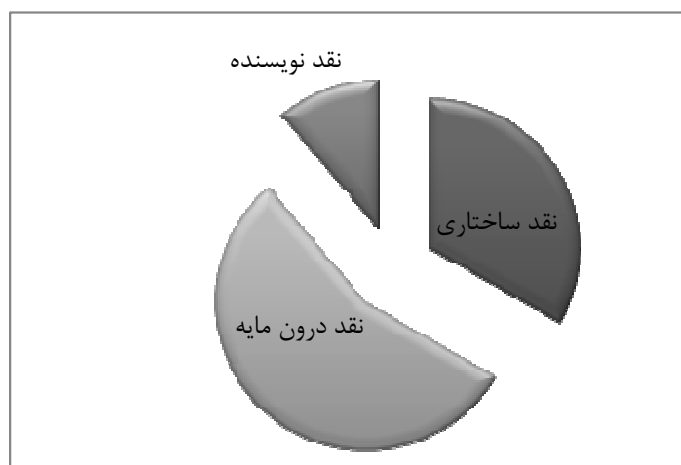
جریان‌شناسی برخی وجوه نقدهای رمان‌های رضا امیرخانی

جدول ۷- جریان‌شناسی بر اساس کارکرد

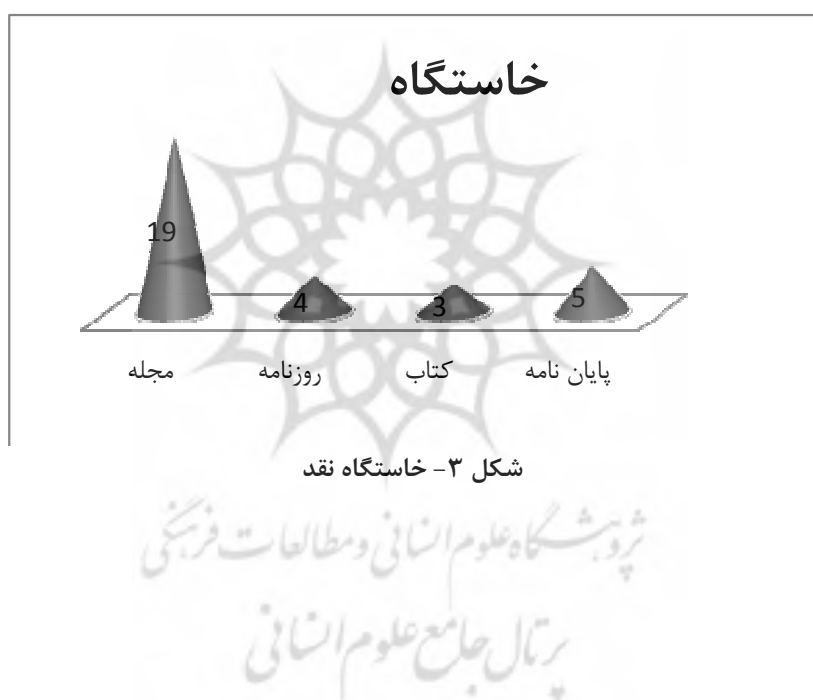
پژوهشی	تخصصی	توصیفی	نقد نویسنده	تفنی
۱۰	۱۶	۱	۶	۱۰۰۰<

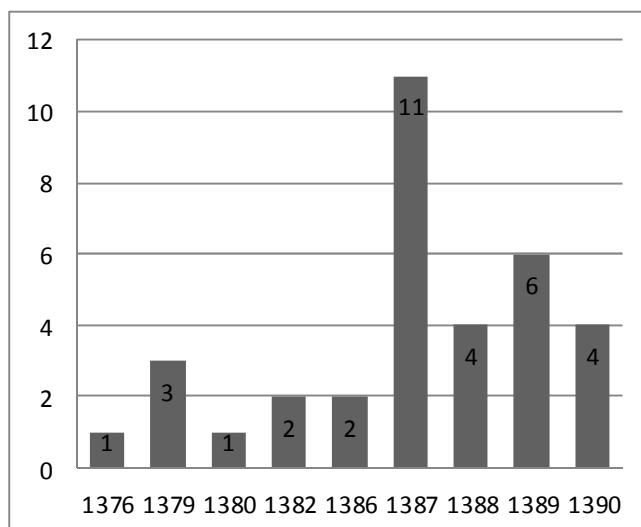


شکل ۱- کارکرد نقدها



شکل ۲- محتوای مقالات علمی پژوهشی





شکل ۴- توزیع زمانی نقدها

نتیجه‌گیری

ادبیات انقلاب اسلامی به آن دسته از آثار اطلاق می‌گردد که در ژرف‌ساخت و درون‌مایه خود بر پایه جهان‌بینی اسلام شیعی (که خاستگاه انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ بود) به وجود آمده باشند. اطلاق صفت «انقلاب اسلامی» برای این نوع از ادبیات داستانی، توصیف موضوع نیست، بلکه توصیف درون‌مایه است و موضوعات متعدد اجتماعی، تاریخی، دفاع مقدس، عاشقانه و... را در خود جای می‌دهد. از سویی دیگر بررسی و تحلیل این دسته از آثار در آینه نقد، ذیل فراتحلیل می‌تواند با میزان توفیق آنها در کارکردهای مخصوص به خود مرتبط باشد. کتاب‌شناسی، جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی، شیوه‌هایی است که به وسیله آنها فراتحلیل یا نقد نقد تحقق می‌یابد. بر این اساس نقد رمان‌های رضا امیرخانی - به عنوان یکی از نویسندگان انقلاب اسلامی - در بازه زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۰ در این پژوهش فراتحلیل و بررسی شده است. از میان نقدهای فراوانی که درباره رمان‌های ارمیا، من او و بیوتن صورت گرفته، ده نقد علمی پژوهشی (مقاله و پایان‌نامه)، شانزده نقد علمی تخصصی (مجله، روزنامه، کتاب)، یک نقد توصیفی و شش نقد نویسنده وجود دارد (شکل ۱). گروهی دیگر از نقدها را که با

۲۰۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

عنوان نقدهای تفننی نام‌گذاری شده‌اند و در فضای مجازی موجودند، نباید از نظر دور داشت. اهمیت این نقدها - که تعداد آنها به بیش از هزار نقد می‌رسد - در این است که میزان توجه مخاطبان عام را که گروه هدف ادبیات داستانی نیز هستند، نشان می‌دهد. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان رویکردهای نقد (نقد ساختار، نقد درون‌مایه و نقد نویسنده)، در نقدهای علمی پژوهشی به نقد ساختاری بیشتر توجه شده است (جدول شماره ۱ تا ۶) و در نقدهای علمی - تخصصی، نقد ساختار و درون‌مایه به موازات پیش‌رفته‌اند، با این تفاوت که نقد ساختاری در نقدهای علمی تخصصی فاقد الگوی نظریه‌ای است. در نقد ساختاری، فراوانی توجه به شخصیت و شخصیت‌پردازی جلب توجه می‌کند.

با توجه به فراوانی این نقدها در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰، بیشترین نقدها متعلق به سال ۱۳۸۷ است. شاید بتوان علت آن را خلق دومین رمان پر فروش دهه اخیر توسط یک نفر و جلب نظر بیش از پیش ناقدان به این نویسنده دانست؛ به‌ویژه آنکه مقالات با محتوای «نقد نویسنده» متعلق به این سال است. پس از آن، سال ۱۳۸۹ با شش مقاله، بیشترین تعداد نقد را داشته است. غالب نقدهای این دو سال، نقدهای علمی پژوهشی است. این بررسی و فراوانی نقدها نشان می‌دهد که رضا امیرخانی به عنوان نویسنده متعلق به تفکر انقلاب اسلامی، توانسته توجه خاص حوزه داستان‌نویسی و همچنین عموم را متوجه خود کند. این معیار در کنار شمارگان رمان‌های وی نشان‌دهنده توفیق این نویسنده در عرصه رمان‌نویسی است.

پی‌نوشت

۱. منظور از «ادبیات عصر انقلاب»، آثار تولیدشده پس از پیروزی انقلاب اسلامی با هر نوع جهان‌بینی و درون‌مایه است.
۲. منظور از «ادبیات انقلاب اسلامی»، ادبیات منطبق بر جهان‌بینی انقلاب اسلامی است که در متن به مفهوم آن پرداخته شده است.
۳. با توجه به اینکه مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «جریان‌شناسی نقدهای رمان‌های انقلاب اسلامی» است، به تبعیت از این رساله، تنها نقدهای متعلق به بازه

- رویکردی در تحلیل و نقد رمان‌های انقلاب اسلامی با تأکید ... / ۲۰۹
- زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ مورد استناد است و نقدهای بعد از این تاریخ (۱۳۹۰) مورد استناد این مقاله نیست. با توجه به اینکه اولین رمان رضا امیرخانی در سال ۱۳۷۴ انتشار یافته است، طبیعتاً نقدها نیز از این تاریخ به بعد است. بنابراین نقدهایی که پس از سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است، در این مقاله بررسی نشده است. به همین دلیل، رمان قیدار نیز که به سال ۱۳۹۱ منتشر شده است، از موضوع این پژوهش خارج می‌شود.
۴. در این مقاله، تنها پایان‌نامه‌هایی بررسی شده است که در پایگاه پژوهشگاه علوم و مدارک ایران (ایران داک) نمایه شده است.
۵. امیرخانی در سایت شخصی خود (<http://www.ermia.ir>) هر آنچه را که درباره آثارش در سایت‌ها و وبلاگ‌ها (فضاهای مجازی) نگاشته می‌شود، نمایه می‌کند.
۶. با توجه به محدودیت حجم مقالات علمی پژوهشی، از میان انواع نقدها (مقاله، کتاب، رساله)، تنها مقالات علمی پژوهشی نقد شده‌اند و باقی نقدها به شیوه کتاب‌شناسی توصیفی ذکر شده‌اند.



منابع

- ایزنلو، بلال و دیگران (۱۳۸۹) «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مرور بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۹، شماره ۱، صص ۷۰-۸۲.
- برزگر، غلام عباس (۱۳۸۷) «نقد من او»، نشریه بیان، سال اول، شماره ۱.
- بهرام پرور، سیامک (۱۳۸۷) «نگاهی به رمان بیوتن نوشته رضا امیرخانی»، مجله ثریا، سال اول، شماره ۱.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۸) درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، چاپ دوم، تهران، افراز.
- پرواز، مهدیه (۱۳۸۹) شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان‌های رضا امیرخانی با تکیه بر من او، ارمیا، بیوتن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء(س).
- جمشیدی، مصطفی (۱۳۸۸) «لغزش در ورطه نیست‌انگاری (نقد رمان بیوتن)»، هفته‌نامه پنجره، سال اول، شماره ۱۹، صص ۴۱-۴۲.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) «معلق میان ما و آنها (پرونده‌ای برای رضا امیرخانی)»، نشریه هابیل، سال اول، شماره ۷، صص ۳۴-۳۶.
- حامدی کیا، یوسف رضا (۱۳۸۸) فرایند قهرمان‌سازی در رمان‌های برگزیده جنگ تحمیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۰) «نقدی بر دو رمان از رضا امیرخانی»، پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، دوره پنجم، شماره پیاپی ۱۷، صص ۹۹-۱۲۴.
- حق‌شنو، فرخنده (۱۳۸۹) جستاری دیگر (نقد برخی رمان‌های برگزیده)، تهران، خانه کتاب.
- حقی‌پور، رحمت (۱۳۸۸) «غم غربت و از خود بیگانگی (نگاهی بر رمان بیوتن)»، دو هفته‌نامه پگاه حوزه، سال دوم، شماره ۲۴۵.
- حکیمی، سمانه (۱۳۸۸) بررسی و تحلیل رمان‌های رضا امیرخانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور رشت.
- خصوصی، خدیجه (۱۳۹۰) ویژگی‌های ادبیات دفاع مقدس بر اساس ده متن داستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- خلعتبری، جواد (۱۳۸۷) آمار و روش تحقیق، تهران، پردازش.
- درودگریان، فرهاد و دیگران (۱۳۹۰) «تحلیل زمان روایی از دیدگاه روایت‌شناسی بر اساس نظریه زمانی ژنت در رمان بیوتن اثر رضا امیرخانی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پیاپی ۱۳، پاییز، صص ۱۲۹-۱۳۸.
- دهقان، احمد (۱۳۸۷) «داستان‌نویس جریان سوم در جست‌وجوی پرسش‌های امروز»، شهروند امروز، شماره ۴۷.
- راهدار، احمد (۱۳۸۹) فقر تئوریک فلسفه غرب در فهم انقلاب اسلامی، ماهنامه سوره، شماره ۴۸، ۴۹.

رضی، احمد (۱۳۸۶) «روش در تحقیقات ادبی ایران»، فصلنامه گوهر گویا، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۴۱. سرشار، محمدرضا (۱۳۹۰) ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سنگری، محمدرضا (۱۳۹۱) ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار دفاع مقدس.

سینایی، مجید (۱۳۸۶) نقد کتاب در ایران، مجموعه مقالات کتاب نقد و نقد کتاب، تهران، خانه کتاب.

شاکری، احمد (۱۳۸۰) مجموعه مقالات بازتاب، تهران، دفتر ادبیات و هنر ایثار. شکردست، فاطمه (۱۳۸۸) کتاب‌شناسی موضوعی فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی، طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور.

شیخی، غفور (۱۳۹۰) فراتحلیل، قابل دسترسی به آدرس:

<http://searches.blogfa.com/post-۲۲.aspx>

شیشه‌گران، پرویز (۱۳۸۶) چهل کتاب (معرفی توصیفی چهل داستان دفاع مقدس)، تهران، گلگشت. صدیقی، سیامک (۱۳۸۶) «شخصیت‌پردازی در رمان ارمیا»، روزنامه کیهان، ۱۹ تیر.

صفایی‌نیا، نعیمه (۱۳۹۰) نقد و بررسی آثار داستانی رضا امیرخانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

عبدالحسینی، سهیلا (۱۳۸۰) از نگاه آئینه: مجموعه نقد آثار محمد علی علوم‌ی و دیگران، تهران، بنیاد مستضعان و جانبازان انقلاب اسلامی.

غفاری، حسین (۱۳۸۷) «با این همه چه کنیم؟ پرونده‌ای برای رضا امیرخانی»، نشریه هابیل، شماره ۷، صص ۴۰-۴۱.

غفاری، سحر (۱۳۸۹) «پسامدرن تصنعی (نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان بیوتن)»، فصلنامه نقد ادبی، سال سوم، بهار، شماره ۹، صص ۷۳-۸۹.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰) نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران)، دفتر اول و دوم، تهران، خانه کتاب.

قلی‌پور، محمود (۱۳۸۷) «نویسنده انقلابی (پرونده‌ای برای رضا امیرخانی)»، نشریه هابیل، شماره ۷، صص ۳۸-۳۹.

قیصری، مجید (۱۳۸۷) «فرزند زمانه»، نشریه هابیل، شماره ۲.

کوپا، فاطمه (۱۳۸۹، ۱۳۹۰) «بن‌مایه‌های نمادین و شگردهای روایی در رمان ارمیا»، مجله ادبیات پایداری دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص ۴۳۹-۵۰۳.

گرگی مصطفی (۱۳۸۴) نقد و تحلیل و بررسی مقاله‌های فارسی درباره مثنوی معنوی، رساله دکتری

۲۱۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳
دانشگاه تربیت مدرس.

گرچی، مصطفی و یوسف حامدی (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی»، پیک نور زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشگاه پیام نور)، سال اول، شماره اول، صص ۱۶۱-۱۸۳.

گرچی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷) «تزریق پسامدرن رقیق در مفاصل بیوتن»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۶۱ و ۲۶۲، صص ۶۸-۷۱.

گودرزی، محمدرضا (۱۳۷۹) «یک واقعه و چند روایت»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۶، صص ۵۴-۵۹.

مؤسسه فرهنگی خانه کتاب (۱۳۸۶) کتاب نقد و نقد کتاب (مجموعه مقالات گروهی از نویسندگان)، به اهتمام، تهران، خانه کتاب.

محمودی، مجتبی (۱۳۷۶) «نقد من او»، جامعه مدنی، شماره ۱۷.

ملکی، داود (۱۳۸۷) «دغدغه‌های بی‌وطنی»، روزنامه فرهنگ آشتی، ۸ بهمن.

مهرجردی، رضا (۱۳۸۷) اینجا جمع ضدین ممکن است، روزنامه انتخاب.

یاحقی، رمضان (۱۳۸۹) «ماهی و دریا»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۶، پیاپی ۱۶۰، صص ۷۰-۷۴.

یزدانی خرم، مهدی (۱۳۸۷) «داستان‌نویس جریان سوم (۱): متعهدی که اصولگرا نشد»، شهروند امروز، شماره ۴۷.

www.ermia.ir
www.irandoc.ac.ir

